

یادداشت

فلسطین؛ ابزار فشار اروپا



حامد نقی‌لو

کارشناس سیاست خارجی

اروپا در سپتامبر ۲۰۲۵ از یک محور عبور کرد، محوری که سال‌ها امنیت، مشروعیت و وزن ژئوپلیتیکی‌اش را از واشنگتن دریافت می‌کرد و در افزایش سکوت می‌کرد. اما این‌بار نه سکوت کافی بود، نه تبعیت. به‌رسمیت‌شناختن کشور فلسطین از سوی چند دولت اروپایی نه یک اقدام نمادین بود، نه یک ژست اخلاقی، بلکه یک مانور فشار بود. فشاری که از دل فروپاشی نظم امنیتی غربی، تمرکز تسلیحاتی آمریکا بر اسرائیل و بی‌اعتمادی به واشنگتن بیرون آمد. این تصمیم نه برای نجات فلسطین بلکه برای بازتعریف نقش اروپا در معادله قدرت جهانی اتخاذ شد. اروپا فهمیده بود که اگر آمریکا دیگر حاضر نیست هزینه‌های امنیتی اروپا را بپردازد، پس دلیلی ندارد که در همه جبهه‌ها تابع بماند. و این عبور نه از سر جسارت، بلکه از سر شناخت الگو بود؛ الگویی که واشنگتن همواره پس از فرسایش طرفین وارد میدان می‌شود تا تصویر یک فاتح را در اذهان عمومی تثبیت و قدرت خود را دیکته کند. همان کاری که در پایان جنگ جهانی دوم انجام داد، زمانی که پس از خون‌ریزی اروپا، آمریکا وارد شد، نظم نوین را طراحی و خود را به عنوان ناجی معرفی کرد. حالا نیز با رهاکردن اوکراین و تسلیح اسرائیل، همان الگو تکرار می‌شود، اما این بار اروپا تصمیم گرفته در برابر آن ایستادگی کند، نه از سر اخلاق، بلکه از سر اجبار استراتژیک.

در ماه‌های منتهی به این تصمیم، دو سیگنال هم‌زمان اروپا را به نقطه انفجار رساندند. نخست، تمرکز تسلیحاتی آمریکا بر اسرائیل و ارسال سامانه‌های هوشمند، مهمات دقیق و پشتیبانی لجستیکی به تل‌آویو درحالی‌که کمک‌های نظامی به اوکراین به‌شدت کاهش یافته بود. این جابه‌جایی در منطق قدرت معنای روشنی داشت؛ اسرائیل، اولویت مطلق واشنگتن است، نه اوکراین. دوم، گزارش‌های رسمی سازمان ملل درباره جنایات جنگی و نسل‌کشی در غزه که مشروعیت اخلاقی اسرائیل را در افکار عمومی جهانی به‌شدت فرسوده کرده بود. این دو سیگنال در ظاهر جدا از هم بودند اما در منطق استراتژیک اروپا به یک نقطه مشترک می‌رسیدند؛ لحظه عبور، لحظه‌ای که دیگر نمی‌شد با بیانیه و ژست دیپلماتیک آن را مهار کرد. لحظه‌ای که اروپا فهمید اگر واکنش نشان ندهد، نفع‌تها مشروعیت داخلی‌اش فرومی‌ریزد، بلکه در معادله قدرت هم حذف خواهد شد.

بریتانیا پیش از عبور رسمی یک تلاش نهایی انجام داد. در سفر ترامپ به لندن، ضیافتی رسمی ترتیب داده شد. نه برای تجلیل، بلکه برای چانه‌زنی. هدف، تغییر تمرکز تسلیحاتی آمریکا بود؛ بازگرداندن بخشی از منابع به جبهه اوکراین و جلوگیری از فروپاشی توازن در شرق اروپا. اما پاسخ واشنگتن سرد و بی‌تعهد بود. ترامپ در دیدار با نخست‌وزیر بریتانیا بار دیگر تأکید کرد که امنیت اسرائیل اولویت مطلق است و هرگونه بازتوزیع منابع، منوط به تغییر رفتار اروپا در خاورمیانه خواهد بود. این پاسخ، عملاً آخرین دروازه را بست. برتانیا که تا آن لحظه سعی کرده بود از تقابل مستقیم با آمریکا پرهیز کند، پس از این دیدار تصمیم گرفت به جمع کشورهای پیروند که فلسطین را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت می‌شناسند، نه از سر همدلی با فلسطین، بلکه از سر ناامیدی از واشنگتن. از سر فهم این واقعیت که دیگر نمی‌توان در همه جبهه‌ها تابع ماند و انتظار حمایت داشت. و این عبور نه‌فقط نمادین، بلکه عملیاتی بود، عبوری که با زبان دیپلماتیک انجام شد اما با منطق قدرت طراحی شده بود.

در همین زمان، افکار عمومی اروپا به نقطه جوش رسیده بود. تصاویر اجساد کودکان، ویرانی بیمارستان‌ها و آمار بیش از ۷۰ هزار کشته در غزه دیگر فقط در شبکه‌های اجتماعی نمی‌چرخید؛ حالا در گزارش‌های رسمی، در جلسات پارلمان‌های اروپایی و در خیابان‌های پاریس و مادرید به فریاد تبدیل شده بود. افکار عمومی اروپا که سال‌ها با روایت امنیت اسرائیل تغذیه می‌شد، حالا با واقعیت نابودی فلسطین روبه‌رو شده بود و این واقعیت آن‌قدر سنگین بود که دولت‌ها را مجبور کرد از موضع انفعالی خارج شوند. اما این خروج نه با شجاعت، بلکه با محاسبه انجام شد. نه برای فلسطین، بلکه برای حفظ مشروعیت داخلی، برای مدیریت خشم عمومی، برای جلوگیری از رادیکالیزه‌شدن فضای سیاسی اروپا. این محاسبه دقیقاً همان نقطه‌ای بود که سیاست به فشار تبدیل شد: فشار به آمریکا، فشار به اسرائیل، فشار به نشمی که دیگر پاسخ نمی‌داد.

کشورهای اروپا از جمله فرانسه، ایرلند، اسپانیا، بلژیک و لوکزامبورگ در هماهنگی با ابتکار دیپلماتیک مشترک فرانسه و عربستان سعودی تصمیم گرفتند در نشست ویژه سازمان ملل، فلسطین را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت بشناسند.

این تصمیم اگرچه در ظاهر یک اقدام نمادین، اما در واقع یک سیگنال چندلایه بود؛ سیگنالی به واشنگتن که اروپا دیگر حاضر نیست در همه جبهه‌ها تابع باشد، سیگنالی به تل‌آویو که مشروعیت بین‌المللی‌اش در حال فرسایش است و سیگنالی به افکار عمومی داخلی که دولت‌ها صدای خشم را شنیده‌اند. اما اسرائیل با رد قاطع این تصمیم و با ادامه حملات در غزه و کرانه باختری نشان داد هیچ اعتباری برای این نوع اقدامات قائل نیست. نتانیاهو در سخنرانی اخیرش در بیت‌المقدس شرقی اعلام کرد که هیچ دولت فلسطینی‌ای وجود نخواهد داشت. این موضع نه‌فقط موضع شخصی، او بلکه بازتابی از ساختار قدرت در اسرائیل است: ساختاری که براساس انکار، اشغال و حذف بنا شده. و در چنین شرایطی اگر اروپا واقعا قصد دارد تغییری ایجاد کند، باید از نمادها عبور کند و به اقدامات عملی برسد: تحریم تسلیحاتی اسرائیل، قطع همکاری‌های نظامی، حمایت از دادگاه‌های بین‌المللی و فشار بر آمریکا برای تغییر موضع. وگرنه این عبور چیزی جز یک نمایش نخواهد بود.

اما آیا اروپا چنین اراده‌ای دارد؟ پاسخ در حال حاضر منفی است. اروپا هنوز درگیر محاسبات داخلی، ترس از واکنش آمریکا و وابستگی‌های اقتصادی و امنیتی است. به‌رسمیت‌شناختن فلسطین در این چارچوب صرفا یک ژست است؛ ژستی برای حفظ چهره، برای مدیریت افکار عمومی و برای ارسال پیام به واشنگتن. اما همین ژست اگرچه ناکافی، می‌تواند آغاز یک تغییر باشد. اگر افکار عمومی اروپا که حالا بیش از هر زمان دیگری با مردم فلسطین همدلی دارد بتواند این حرکت را به یک مطالبه تبدیل کند، اگر نهادهای مدنی، رسانه‌ها و احزاب سیاسی بتوانند فشار را حفظ کنند، شاید این اسرائیل دیرینه‌کم به یک اقدام واقعی منجر شود. اما مسیر طولانی است و مواجع بسیار. و در نهایت، آنچه در سپتامبر ۲۰۲۵ رخ داد نه یک پیروزی، بلکه یک لحظه بود که اروپا در مواجهه با تمرکز تسلیحاتی آمریکا بر اسرائیل تصمیم گرفت از سکوت خارج شود. اما این خروج اگر با اقدام همراه نباشد، چیزی جز یک نمایش نخواهد بود. فلسطین برای آزادی به ژست نیاز ندارد، در عدالت نیاز دارد. و عدالت نه در کلمات، بلکه در کنش‌ها معنا پیدا می‌کند.

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ در شرایطی که بازگشت تحریم‌های سازمان ملل به‌زودی در آستانه تحقق است، دیپلماسی ایران به فاز نهایی و سرنوشت‌سازترین حالت ممکن وارد می‌شود. دیدار سه‌شنبه عباس عراقچی با وزرای خارجه فرانسه، آلمان و انگلیس در نیویورک و حضور کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، فرصتی برای احیای فضای گفت‌وگو فراهم کرد. اما به ادعای لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال، حاصلش اصرار دو طرف بر مواضع قبلی و عدم جهش قابل ملاحظه در مواضع اروپایی‌ها بود. اروپایی‌ها رسماً خواسته‌اند ایران طرف چند روز با حتی چند ساعت گام‌های عملی بردارد، دسترسی کامل آژانس به تأسیسات هسته‌ای را بپذیرد و مذاکرات مستقیم با آمریکا را از سر بگیرد، درحالی‌که تهران بر توقف فشارهای سیاسی و تداوم تعامل پادمانی تأکید دارد.

در همین حال، رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در نیویورک به سر می‌برد، مرتب در حال دیدار، مذاکره، رایزنی و مصاحبه‌های پشت سر هم با رسانه‌های متعدد است و در این بین، آقای مدیر کل مواضع دوگانه‌ای اتخاذ کرده است. او از یک‌سو تأکید دارد که همکاری فنی با ایران باید ادامه یابد و فرصت اندکی برای توافق باقی است (می‌گوید «زمان زیادی نداریم») و هم‌زمان با اشاره به توانایی فنی ایران و سابقه‌اش، به این امکان اشاره می‌کند که تهران ظرف چند هفته بتواند غنی‌سازی تا سطح ۹۰ درصد را از سر بگیرد. این موضع ضمن آنکه فشار بر تهران را افزایش می‌دهد، سیگنال‌هایی از گرایش به سطح بالاتر در مذاکرات برای طرف‌های غربی صادر می‌کند. این سه صلع، «ایران»، «اروپا» و «آژانس»، اکنون در یک مثلث تنش قرار دارند؛ تنش به کارکردانی آمریکا و نوینسنگی اسرائیل. بنابراین فضای مذاکرات نه‌تنها به ساعات، بلکه به دقائق حساس کشیده شده است. در نشست اروپایی با عراقچی، هیچ علامتی از کاهش احتمال بازگشت مکانیسم ماشه دیده نشد؛ یعنی مذاکرات هنوز گرگ‌گشای نبوده است. این وضعیت نشان می‌دهد تهران باید با بقیت و تدبیر هر گام را بردارد؛ چراکه هر لغزش می‌تواند مسیر دیپلماسی را به بن‌بستی کامل سوق دهد.

دیداری که رو به جلو نودا

دیدار روز سه‌شنبه عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران با وزرای خارجه انگلیس، آلمان و فرانسه در نیویورک، در حالی برگزار شد که فضای مذاکرات هسته‌ای بیش از هر زمان دیگری در نقطه‌ای حساس و تعیین‌کننده قرار گرفته است. در این نشست که با حضور کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، برگزار شد، دو محور اصلی دنبال شد: نخست، مرور گفت‌وگوهای یک ماه اخیر با هدف یافتن راه‌حل‌های دیپلماتیک برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها؛ دوم، بررسی ابتکاراتی که بتواند مسیر تعامل را با نکه دارد.

عراقچی با تشریح گام‌های عملی ایران در همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و انعقاد تفاهم‌ای جدید پادمانی، به‌شدت در حلمات غیرقانونی به تأسیسات هسته‌ای ایران انتقاد کرد و آن را لک‌های تاریک بر تاریخ رژیم عزم اشاعه خواند. او تأکید کرد همان‌گونه که تهران مسئولانه عمل کرده، طرف‌های اروپایی نیز باید از رویکردهای سیاسی و زیاده‌خواهانه فاصله بگیرند و زمینه‌ای متوازن برای تداوم گفت‌وگو فراهم کنند. با این حال، گزارش وال‌استریت ژورنال، فضای نشست را چندان امیدوارکننده توصیف نکرد. لارنس نورمن، خبرنگار ایران روزنامه، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «در دیدار روز سه‌شنبه هیچ نشانه‌ای مبنی بر کاهش احتمال فعال‌سازی مکانیسم ماشه دیده نشد». این موضع، در کنار بیانیه گروه هفت که باز هم خواستار مذاکره مستقیم ایران و آمریکا و همکاری کامل با آژانس شد، نشان می‌دهد که با وجود طرح برخی ایده‌ها، فاصله جدی میان مواضع تهران و غرب همچنان پابرجاست. قرار شد رایزنی‌ها در روزهای آینده ادامه یابد. اما آنچه مسلم است، این است که مسیر دیپلماسی در واپسین روزهای پیش از تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز، با پیچیدگی و ابهامی جدی روبه‌روست؛ مسیری که می‌تواند با راه را به سوی توافق باز کند یا بحران را عمیق‌تر سازد.

بازی فشار بر تهران

اظهارات مقامات آلمانی و اروپایی پس از دیدار با عباس عراقچی در نیویورک، بار دیگر فضای پرتنش و زمان محدود دیپلماسی هسته‌ای ایران را برجسته کرد. وزارت خارجه آلمان با صراحت اعلام کرد از ایران انتظار دارد در کوتاه‌ترین زمان ممکن، حتی در چند ساعت آینده، گام‌هایی عملی برای رفع نگرانی‌ها درین سه دیدار برنامه‌ریزی‌شده بردارد. گام‌هایی که شامل ازسرگیری گفت‌وگوهای مستقیم با ایالات متحده و فراهم‌کردن دسترسی کامل بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تمامی سایت‌های هسته‌ای ایران مطابق تعهدات پادمانی تهران است. این وزارتخانه هشدار داد که سه کشور اروپایی به‌همراه اتحادیه اروپا آماده‌اند در صورت لزوم روند فعال‌سازی مکانیسم ماشه را تکمیل کنند؛ هرچند تأکید شد که حتی در صورت بازگشت تحریم‌های سازمان ملل، در‌های مذاکره همچنان باز خواهد ماند و دیپلماسی پایان نخواهد یافت.

یوهان وادفول، وزیر امور خارجه آلمان نیز در گفت‌وگو با شبکه العربیه مدعی شد ایران فرصت‌های متعددی برای دستیابی به توافق داشته اما از آن بهره نبرده است و اکنون اروپا به اجرای تحریم‌ها «بسیار نزدیک» است. در همین راستا، کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز با اشاره به محدودیت زمانی موجود برای جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها تصریح کرد که «دیپلماسی هنوز شانس دارد»، اما این فرصت به‌سرعت در حال پایان یافتن است. او در سخنانی تأکید کرد که اروپا نیازمند «اقدامات واقعی» از سوی ایران است تا امکان باز کردنِ داشتن مسیر توافق فراهم شود. این مواضع در شرایطی بیان شد که در نشست اخیر عراقچی با مقامات اروپایی، طرف‌ها بر مواضع پیشین خود اصرار داشتند و نشانه‌ای از پیشرفت ملموس دیده نشد؛ وضعیتی که بار دیگر زمان اندک و فضای مبهم دیپلماسی را به رخ می‌کشد.

دیدارهای فشرده مدیر کل

دیدارهای فشرده رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی

«شرق» از آخرین تکاپوهای دیپلماتیک در آستانه بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت گزارش می‌دهد

ماراتن زمان



همچنان راهی برای حفظ ارتباط و جلوگیری از تشدید بحران باقی بماند». گروسی تصریح کرد که بدون بازرسی‌های کامل، تعیین میزان واقعی خسارات وارداشده به برنامه هسته‌ای ایران پس از حملات اخیر دشوار است. او تأکید کرد: «برنامه هسته‌ای ایران دیگر مانند گذشته نیست، اما این کشور توانایی بازسازی ظرفیت‌های از‌دست‌رفته را دارد».

وقتی ادعای توان غنی‌سازی، ۹۰درصدی بازتابی از فشار است

رفتار رافائل گروسی در این دوره نشان می‌دهد او نه‌فقط یک ناظر فنی، بلکه بازیگر سیاسی فعالی در معادلات هسته‌ای است. وقتی گفته می‌شود «افزایش سطح غنی‌سازی ذخایر اورانیوم ایران به ۹۰ درصد، مسئله‌ای در حد چند هفته است، نه ماه‌ها یا سال‌ها»، چنین موضعی نمی‌تواند صرفاً فنی تلقی شود؛ این پیام تکنیکی حامل بار تبلیغاتی و فشار سیاسی است. چنین بیانی، نه‌تنها توان بالقوه ایران را به رخ می‌کشد، بلکه سیگنالی به طرف‌های غربی است که با توسل به تهدید فنی، فشار را بر تهران افزایش دهند.

این رفتار سیاسی زمانی آشکارتر می‌شود که دیدارهای گروسی با مقامات ایرانی و فرانسوی را در نظر بگیریم. او با عباس عراقچی دیدار کرد و گفت‌وگوهایی فشرده درباره بازگشت بازرسان و نحوه تعامل انجام داد و پس از آن در دیداری با امانوئل مکرون تأکید کرد که درباره برنامه هسته‌ای ایران تبادل نظر مهمی داشته‌اند.

این دیدارها به معنای توام‌کردن نقش فنی با لایه سیاسی است؛ او همچنان در میانه دیپلماسی هسته‌ای، سمت‌هایی می‌گیرد که نه صرفاً فنی، بلکه دارای اثر بر معادلات بین‌المللی است.

به عبارت دیگر، گروسی تلاش می‌کند در نقش رابطی بین ایران و غرب ظاهر شود، اما هم‌زمان با اعلام تهدید فنی توان غنی‌سازی ۹۰ درصد در چند هفته و تأکید بر فرصت محدود، دیوار فشار را حفظ می‌کند. چنین فضایی برای تهران سخت است؛ چون از یک سو نمی‌تواند از تعامل فنی دست بکشد و از سوی دیگر نباید اجازه دهد فشار سیاسی از مسیر فنی بر او تحمیل شود. در مجموع، سیاست‌ورزی گروسی نشان می‌دهد که مدیرکل آژانس اکنون نه‌صرفاً یک ناظر بی‌طرف، بلکه عاملی مؤثر بر فرایند مذاکره است که با کلام فنی خود، معادلات سیاسی را نیز شکل می‌دهد.

دفاع از حقوق هسته‌ای ایران

در مقابل کلکسیونی از ادعاهای گروسی، محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی و معاون رئیس‌جمهور، در گفت‌وگو با شبکه اسکای‌نیوز به دفاع از حقوق هسته‌ای ایران پرداخت و از روند بازسازی تأسیسات پس از حملات خارجی سخن گفت. او تأکید کرد: «آسیب‌دیدن زیرساخت‌ها در جریان حمله نظامی، امری قابل انتظار است، اما نباید از ریشه‌های فناوری و دانش هسته‌ای چشم‌پوشی کرد»؛ چون آن را «بخشی جانشدنی از تاریخ علمی ایران» می‌داند.

به گفته معاون رئیس‌جمهور، «درصد بالای غنی‌سازی لزوماً به معنای مهاجرشدن به سلاح نیست؛ ایران برای کاربردهای صلح‌آمیز، به سطوح دقیق‌تری نیاز دارد» و تأکید کرد: «تحریم‌ها اجازه تأمین اقلام حساس را ندادند». او گفت ایالات متحده ظلم بزرگی به ایران کرده و حمله نظامی بر توافق و گفت‌وگو پیشیندر کشور بوده است؛ لذا اسلامی به این نکته نفع‌افشایی کرد که «مذاکرات با طرف‌ها بستنی است. ما فاقد معناست». رئیس سازمان انرژی اتمی با زبان قاطع اعلام کرد «مذاکره با دشمنی مثل آمریکا بیهوده است» و یادآور شد: «کسانی که در جریان مذاکرات حضور داشته‌اند، دیده‌اند که مذاکرات همیشه نیمه‌کاره رها شده‌اند». اسلامی اضافه کرد: «دولت آمریکا بسیاری از وعده‌ها را اجرا نکرده و به همین دلیل ایران دیگر اعتماد خود به واشنگتن را از دست داده است». این گفت‌وگو حامل این پیام است که تهران تمامی تلاش خود را برای حفظ برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز انجام خواهد داد، اما حاضر نیست در برابر فشار و تهدید از مواضع فنی و حقوقی‌اش کوتاه بیاید. در لحظه‌ای که مذاکرات جهانی تحت فشار شدید قرار دارد، سخنان اسلامی تأکید می‌کند که ایران نه تسلیم فشار، بلکه مدخله‌گر دقیق و مقتدر در عرصه هسته‌ای باقی خواهد ماند.

شکست یا توافق؛ مسئله این است؟

با وجود فشارهای شدید اروپایی و هشدارهای گروسی، مسیر دیپلماسی ایران هنوز باز است؛ هرچند بسیار باریک و پیچیده. اروپایی‌ها به‌صراحت خواسته‌اند ایران در کوتاه‌ترین زمان ممکن گام عملی بردارد و از تعهداتش در چارچوب برجام و همکاری با آژانس عدول نکند و در عین حال هشدار داده‌اند که آماده فعال‌سازی مکانیسم ماشه هستند. در همین حال، کایا کالاس با تأکید بر فرصت محدود دیپلماسی گفته است:

«دیپلماسی شانس دارد؛ مهلت‌ها در حال اتمام است و ما نیاز داریم ایران اقدامات واقعی نشان دهد».

خبر

سخنگوی جبهه اصلاحات ایران خبر داد احضار چند نفر از اعضای هیئت‌رئیس جبهه‌اصلاحات ایران

سخنگوی جبهه اصلاحات ایران از احضار چند نفر از اعضای هیئت‌رئیسه این جبهه به دادسرا خبر داد. به گزارش ایسنا، جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات ایران، در شبکه ایکس نوشت: «چند تن از اعضای هیئت‌رئیسه جبهه اصلاحات ایران به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شدند».

روایت وزیر اطلاعات از ربایش اسناد اسرائیل از سوی ایران در رژیم صهیونیستی نفوذ داریم

وزیر اطلاعات گفت: به گفته غربی‌ها و مسئولان رژیم، ایران در رژیم صهیونیستی نفوذ دارد و دستگیری افرادی که عضو و هموطن آنها هستند، رسانه‌ای شده و اعتراف به این نفوذ و قدرت ایران یکی از نعمت‌های بزرگی است که باید آن را ببیان و تبیین کنیم و شکرگزار آن باشیم؛ اسنادی که از این رژیم ربوده شده و مختصات خوبی که به دست آمده است، یکی دیگر از این نعمت‌هاست. به گزارش مهر، حجت‌الاسلام سیداسماعیل خطیب در نشست شورای تأمین استان یزد که با حضور استاندار و مقام‌های ارشد استان یزد برگزار شد، با گرامیداشت هفته دفاع مقدس گفت: مردم و کشور ما هیچ زمان و در هیچ دوره‌ای جنگ‌طلب نبوده، بلکه به‌خوبی با شجاعت، استقامت و پایداری و غیرت توانستند از تمامیت ارضی کشور در مقابل جبهه گسترده دشمن که در حمایت برخی از کشورها صورت گرفته بود و قصد براندازی نظام را براساس محاسبه‌های غلط داشتند، با رهبری حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، رشادات نیروهای مسلح، سربازان گمنام امام زمان(عج)، همراهی جامعه اطلاعاتی و امنیتی کشور و همچنین دولت چهاردهم و همراهی و تدبیر مردم، بار دیگر پیروزی ایران قوی را حفظ کنند. او با اشاره به نقش مردم و اتحاد مقدس افزود: در طول هر دو جنگ تحمیلی دشمن قصد براندازی نظام را داشت ولی به لطف خدا، با وجود همه تلاش گروه‌ها و تجزیه‌طلب‌ها، در این جنگ شاهد امنیت در کشورمان بودیم و این را مدیون همراهی و همدلی مردم و مسئولان هستیم، چراکه امنیت کشور متکی بر محور مردم است و پایه‌های اساسی آن بر محور همراهی و وحدت، امیدبخشی و اعتماد مردم است. وزیر اطلاعات ادامه داد: برخلاف تصور و محاسبات غلط همیشه دشمن که به دنبال تفرقه و آشوب بود، شاهد یک نعمت بزرگ، لطف الهی و تالیف قلوب بزرگ خدایی در ملت بودیم و این همراهی ملت، بزرگ‌ترین قدرت کشور است که باید همه در جهت رشد، تقویت و محافظت از آن تلاش بکنیم. او اظهار کرد: یکی از نکات مهم این است که خیلی‌ها شاید در طول عمر سیاسی خود، خطاهایی را مرتکب شدند، اما این حضور و همراهی و همدلی‌شان با مردم در طول این جنگ ۱۲اروزه، خود یک نقطه ارتکذار دیگری است که باید مورد تشویق و تحبیه مسئولان قرار بگیرد و بتوان با ادامه این راه و منش، مسیر را برای پیروزی‌های بعدی به شکل جدی‌تری فراهم کنیم و باید همه توجه، همراهی و دقت و برنامه‌ریزی‌ها در راستای حفظ این وحدت و اتحاد باشد. حجت‌الاسلام خطیب تصریح کرد: همان‌طور که رهبر عزیز و امام انقلاب در حلمات اخیر با هیئت دولت فرمودند، باید نکاتی که در صحبت‌های رهبری مطرح شد، برنامه اولویت‌دار و سیاست‌های اجرایی آن در سطح همه مسئولان باشد و تکیه بر وحدت و حفظ این اتحاد مقدس با افکار، سلیق، اقوام، مذاهب و ادیان مختلف هست. باید آن را پاسداری، حفاظت و صیانت کنیم و بر رشد و ارتقای آن بیفزاییم. وزیر اطلاعات درباره اقدامات انجام‌شده در زمینه رژیم صهیونیستی تصریح کرد: به گفته غربی‌ها و مسئولان رژیم، ایران در رژیم صهیونیستی نفوذ دارد و دستگیری افرادی که عضو و هموطن آنها هستند، رسانه‌ای شده و اعتراف به این نفوذ و قدرت ایران یکی از نعمت‌های بزرگی است که باید آن را بیان و تبیین کنیم و شکرگزار آن باشیم؛ اسنادی که از این رژیم ربوده شده و مختصات خوبی که به دست آمده است، یکی دیگر از این نعمت‌هاست.